

فصلنامه‌ی علمی آیین علوی

مقاله پژوهشی، شماره 14، تابستان 1403، صفحات 85 الی 108

تاریخ دریافت: 1403/01/29؛ تاریخ داوری: 1403/03/21

### مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه

حفیظ‌الله فولادی<sup>23</sup>؛ مریم احتسابی<sup>24</sup>

#### چکیده

«سرمایه اجتماعی» از جمله مفاهیم نوینی است که نقش بسیار مهم‌تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفاء می‌کند. سرمایه اجتماعی از تعامل‌های روزمره بین افراد شکل می‌گیرد و دارای عناصر و مؤلفه‌هایی همچون اعتماد، انسجام، روابط و مشارکت میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که با تقویت آنها می‌توان زمینه بهبود و توسعه را در سایر بخش‌ها ایجاد کرد. نوشتار حاضر به مطالعه نهج البلاغه با تمرکز بر مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی پرداخته تا پاسخگوی این سؤال باشد که چگونه می‌توان از سرمایه اجتماعی جامعه صیانت و آن را تقویت کرد؟ برای دستیابی به این مهم، ضمن مطالعه نهج البلاغه به گردآوری داده‌های مرتبط با موضوع و سپس تجزیه و تحلیل آنها به روش توصیف و تحلیل محتوایی پرداخته شده است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، روش‌های صیانت از سرمایه اجتماعی عبارتند از: اولویت قائل شدن برای سرمایه اجتماعی، پرهیز از خشونت و ظلم و حسن برخورد و مدارا با سرمایه‌های انسانی، تلاش برای ایجاد آرامش در جامعه و جلوگیری از ایجاد نارضایتی و

23. استادیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)؛ hfooladi11@gmail.com

24. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث؛ ehtesabim182@gmail.com



بی‌اعتمادی در مردم، تلاش برای جلوگیری از درگیری‌های داخلی و فراهم کردن فضای صلح در جامعه، شفاف‌سازی و جلب اعتماد و حسن ظن سرمایه‌های انسانی، اصلاح نگرش نسبت به سرمایه‌های انسانی و مقام و مسئولیت. همچنین می‌توان با روش‌هایی همچون دعوت و تشویق سرمایه‌های انسانی، تهییج و تحریک غیرتمندی، بیان آثار و پیامدهای قوت و ضعف سرمایه اجتماعی و روشنگری، در جهت تقویت سرمایه اجتماعی اقدام نمود.

**کلیدواژگان:** نهج البلاغه، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد

\*\*\*

## 1. مقدمه

«سرمایه اجتماعی»<sup>25</sup> از مفاهیم نوینی است که نقشی بسیار مهم‌تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفاء می‌کند و امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد و به‌تازگی در مدیریت و سازمان به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته که به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به‌عنوان منبع باارزش اشاره دارد و با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود.

سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند. این سرمایه از تعامل‌های هرروزه بین افراد پدید می‌آید. این سرمایه، به تنهایی در فرد یا ساختار اجتماعی نهفته نیست، بلکه در فضای تعامل‌های بین افراد وجود دارد. مایملک سازمان، بازار یا دولت نیست، هر چند که همه آنها در تولید آن سهیمند (شریفیان ثانی، 1380: 6). مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، انسجام، روابط و مشارکت میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دستیابی به هدف‌های ارزشمند هدایت می‌کند. از آنجایی که اسلام دینی اجتماعی است که فرامین و دستورات آن بر اساس هم‌بستگی و پیوستگی بین افراد شکل گرفته است، آموزه‌های آن در ابعاد گوناگون منجر به پیدایی و



تقویت سرمایه اجتماعی در اشکال درون‌گروهی و برون‌گروهی می‌گردد. عوامل مختلفی می‌توانند در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی نقش داشته باشند و شناخت این عوامل می‌تواند به گسترش ابعاد آن کمک کرده، موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع گردد. از مهم‌ترین آنها می‌توان به نقش مسئولین و عملکرد آنها اشاره کرد. عملکرد مسئولین می‌تواند باعث تقویت یا تضعیف اعتماد، انسجام، مشارکت و دیگر عناصر سرمایه اجتماعی میان افراد جامعه شود.

در بین ائمه (ع) تنها امیرالمؤمنین (ع) این امکان را پیدا کرد تا در طول حدود 5 سال حکومتشان، الگوی حکومت‌داری اسلامی را به منصف ظهور رساند که نهج البلاغه در بردارنده سیره قولی و عملی ایشان در این 5 سال است لذا منبع خوبی جهت مطالعه و تحقیق درباره مسائل حکومتی و اجتماعی اسلام می‌باشد. نگارنده در این نوشتار در پی آن است با مطالعه نهج البلاغه و تحلیل سخنان آن حضرت (ع) به بررسی نقش مسئولین در حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی بپردازد تا پاسخگوی این سؤال باشد که مسئولین چگونه می‌توانند سرمایه اجتماعی جامعه خود را حفظ و تقویت کنند.

پیش از این، تحقیقات مختلفی در حوزه سرمایه اجتماعی و اسلام و به‌طور خاص نهج البلاغه صورت گرفته که در ادامه به آنها اشاره کرده و وجه تمایز این تحقیق با آنها بیان می‌گردد: کتاب «سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلام» تألیف محمد علینی که توسط انتشارات بوستان کتاب به چاپ رسیده است ضمن بیان مسائل نظری سرمایه اجتماعی، عناصر، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از ابعاد آموزه‌های دین اسلام در سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و شرعیات را با ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی مقایسه کرده و به ارائه دستگاه مفهومی به‌صورت جدول ماتریسی از ابعاد آموزه‌های دین اسلام با دو بعد عینی و ذهنی سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و کلان پرداخته است.



کتاب «سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه» نوشته حامد فاضلی کبریا که از سوی دانشگاه امام صادق (ع) منتشر شد به کمک آموزه‌های نهج البلاغه به بازتعریف مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته و مؤلفه‌های بومی و دینی آن را از بطن آن استخراج نموده است.

مقاله «تدوین الگوی پیشنهادی مؤلفه‌های مدیریتی سرمایه اجتماعی با نگاهی به مفاهیم نهج البلاغه» نوشته منصور اعتصامی و حامد فاضلی کبریایی که در شماره 12 مجله سیاست‌گذاری اقتصادی به چاپ رسیده است با مطالعه نهج البلاغه به استخراج اصولی مانند «تقوای الهی»، «عدالت و انصاف»، «تواضع و حلم» و ... پرداخته و این اصول را بخشی از الگوی مدیریتی امام علی (ع) از نظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته و به مدل پیشنهادی مدیریتی برگرفته از آموزه‌های نهج البلاغه پرداخته است.

مقاله «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)» نوشته محمد علینی و غلامرضا غفاری که در شماره 8 مجله اسلام و مطالعات اجتماعی به چاپ رسیده است روابط اجتماعی به‌مثابه سرمایه اجتماعی را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده و با استناد به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع)، روابط اجتماعی در سطوح خرد و کلان را به روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی در کلام امام (ع) بررسی نموده است.

مقاله «طراحی الگوی سرمایه اجتماعی مبتنی بر تعالیم دین» نوشته بهروز رضایی‌منش و علی پوربهروزان که در نشریه مدیریت اسلامی به چاپ رسیده با بررسی نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و همچنین بیانات ایشان در کتاب میزان الحکمه به بیان سه مجموعه از الزامات پرداخته که باید در سه سطح فردی، شبکه‌ای و اجتماعی رعایت شود. به‌گونه‌ای که با رعایت نکات هر سطح می‌توان به یک سرمایه اجتماعی منسجم و حداکثری دست یافت.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (علیه‌السلام)» نوشته سید حسن حسینیان بنای یزدی، دانشگاه علوم حدیث (1392) با مراجعه به نهج البلاغه و غرر الحکم به بازتعریف و تبیین ابعاد و عناصر سرمایه اجتماعی در سطح فرد و جامعه پرداخته است.



پایان‌نامه سطح 3 حوزه علمیه (1394) با عنوان «تحلیل سرمایه اجتماعی از منظر امام علی (ع)» نوشته سید ابوالحسن موسوی، به بیان مبانی معرفتی سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در دو بعد شناختی و ساختاری از منظر ایشان پرداخته است.

با نگاهی کلی به آثار تألیف شده می‌توان گفت اکثر این آثار ناظر به مباحث نظری سرمایه اجتماعی بوده و در پی کشف مبانی، مؤلفه‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و کلان از میان آموزه‌های اسلام و به‌طور خاص کلمات امیرالمؤمنین (ع) هستند. این در حالی است که نوشتار حاضر با پذیرش مؤلفه‌ها و عناصر سرمایه اجتماعی همچون «اعتماد»، «مشارکت اجتماعی»، «روابط اجتماعی» و «انسجام اجتماعی» در سطح کلان به مطالعه نهج البلاغه پرداخته و به دنبال کشف راهکارهای عملی برای مسئولینی است که خواستار حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی جامعه خود هستند.

## 2. مفهوم شناسی

### 2-1 سرمایه اجتماعی

«سرمایه اجتماعی» در کنار انواع سرمایه‌های اقتصادی، سرمایه انسانی و سرمایه فرهنگی، از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح است. استفاده از این واژه در معنایی که با آن سروکار داریم اولین بار به سال 1916 در نوشته‌های لیدا جی. هانیفان، سرپرست مدرسه ویرجینیای غربی در آمریکا برمی‌گردد (رحمانی و کاوسی، 1387: 19). مفهوم سرمایه اجتماعی متشکل از دو کلمه «سرمایه» و «اجتماعی» است؛ واژه «سرمایه» دلالت می‌کند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد؛ به این معنا که هیچ کس بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (علینی: 1391: 71). واژه «اجتماعی» دلالت می‌کند که این منابع، خود دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند (الوانی و شیروانی: 1385، 13).



سرمایه اجتماعی مفهومی سیال، چند بعدی و جدید در ادبیات علوم انسانی به‌ویژه جامعه‌شناسی است، لذا دیدگاه‌های بسیار متنوع و گوناگونی در تعریف، منابع، روش‌های ارتقا و سنجش آن وجود دارد به‌گونه‌ای که گاه این نظریات با ابهام همراهند. اگر بخواهیم دورنمایی از دیدگاه‌های مختلف نسبت به سرمایه اجتماعی داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که برخی سرمایه اجتماعی را منبعی جهت‌دستیابی به سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی در سطح خرد می‌دانند و برخی دیگر آن را مجموعه‌ای از هنجارها می‌دانند که باعث دستیابی به دموکراسی، رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان می‌شود.

سرمایه اجتماعی عناصر و مؤلفه‌هایی دارد که با تقویت آنها می‌توان زمینه بهبود و توسعه را در سایر بخش‌ها ایجاد کرد. برخی از این عناصر و مؤلفه‌ها که به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح می‌شوند عبارتند از: ارزش‌ها و هنجارها، اعتماد، مشارکت، احساس مسئولیت، کمک و مساعدت، همکاری و تعاون، نظم‌پذیری، نوع‌دوستی، صداقت، وفای به عهد، قانون‌مداری (رک: صالحی امیری و کاوسی، 1387: 68). از میان این عناصر بر اهمیت اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بیشتر تأکید شده است. در این تحقیق نیز تمرکز مباحث بیشتر بر همین مؤلفه‌ها در سطح کلان خواهد بود.

### 3. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه

#### 3-1 وحدت و برادری

در نگاه امیرالمؤمنین (ع) سرمایه اجتماعی تا اندازه‌ای اهمیت دارد که ایشان ضمن یادآوری نعمت «وحدت و برادری» در بین امت که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ آمَنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي [يَتَقَلَّبُونَ] يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَى كَنْفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ تَمَنٍّ وَ أَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛ خداوند بر این امت اسلامی بر وحدت و برادری منت گذارده که در سایه آن زندگی کنند، نعمتی که هیچ ارزشی نمی‌توان همانند آن تصور کرد، زیرا از هر ارزشی گرانقدرتر و از هر کرامتی والاتر است» (نهج البلاغه،



خطبه 129). در حقیقت ایشان از «الف و وحدت» به عنوان بالاترین نعمت یاد می‌کند که خداوند به واسطه عطای آن به امت اسلامی، بر آنان منت نهاده است. همچنین ایشان پیش از جنگ صفین برای دشمنان اسلام «عدم وحدت» را آرزو می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فَإِنْ رُدُّوا الْحَقَّ فَافْضُضْ جَمَاعَتَهُمْ وَ شَتِّتْ كَلِمَتَهُمْ وَ أَسْلِهِمْ بِخَطَايَاهُمْ؛ بار خدایا اگر شامیان از حق روی گردانند جمعشان را پراکنده و در میانشان اختلاف و تفرقه بیافکن» (همان، خطبه 124).

### 2-3 تبعیت از رهبر

امام علی (ع) اهمیت و جایگاه خاصی برای «تبعیت از رهبر» که از مصادیق عینی و پراهمیت سرمایه اجتماعی است قائل است، تا آنجا که معتقد است بدون وجود این تبعیت و مشارکت هیچ هدفی در جامعه محقق نمی‌گردد. حضرت (ع) خطاب به مردم کوفه و در پاسخ به افرادی که ایشان را متهم به ضعف در علوم و فنون مدیریت نظامی کرده بودند می‌فرماید: «حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السِّتِّينَ وَ لَكِنْ لَأَرَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ؛ با نافرمانی و ذلت‌پذیری، رأی و تدبیر مرا تباہ کردید، تا آنجا که قریش در حق من گفت: «بی‌تردید پسر ابی‌طالب مردی دلیر است ولی دانش نظامی ندارد» خدا پدرشان را مزد دهد، آیا یکی از آنها تجربه‌های جنگی سخت و دشوار مرا دارد .... اما دریغ، آن کس که فرمانش را اجرا نکنند، رأیی نخواهد داشت» (همان، خطبه 27). ایشان در این عبارات، علت اصلی شکست جامعه را عدم وجود یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی یعنی «تبعیت از رهبر» بیان کرده و این حقیقت را که بدون وجود این مؤلفه، هیچ رهبری نمی‌تواند اقدام به انجام فعالیتی نماید و به مقاصد خود دست یابد در موارد متعدد دیگری نیز متذکر شده است (ر.ک: همان، خطبه 5/29).



3/39، 6/119، 2/131. ایشان بارها آرزوی رهبری بر افرادی مطیع و فرمانبردار نسبت به فرامین رهبر خود را داشت و خطاب به مردم کوفه ضمن شکایت از عدم فرمانبرداری آنها می‌فرماید: «أَمَا وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنَّ لِي بِكُمْ أَلْفَ فَارِسٍ مِنْ بَنِي فِرَاسٍ بِنِ غَنَمٍ هُنَالِكَ لَوْ دَعَوْتُ أَتَاكَ مِنْهُمْ فَوَارِسٌ مِثْلُ أَرْمِيَةِ الْحَمِيمِ؛ به خدا سوگند دوست داشتم، به جای شما، هزار سوار از بنی فراس بن غنم می‌داشتم که اگر آنان را می‌خواندی، سوارانی از ایشان نزد تو می‌آمدند مبارز و تازنده چون ابر تابستانی» (همان، خطبه 25).

### 3-3 تعاون

«مشارکت و تعاون» یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که امیرالمؤمنین (ع) ضعف و عدم وجود آن را علت شکست جامعه در برابر دشمن می‌داند و می‌فرماید: «غَلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَاذِلُونَ؛ به خدا سوگند، شکست برای کسانی است که دست از یاری یکدیگر می‌کشند» (همان، خطبه 34). ایشان خطاب به مردم مدینه یادآور می‌شود که اگر دست از تعاون و یاری خود بر نمی‌داشتند هرگز دشمن در آنها طمع نمی‌کرد و شکست نمی‌خوردند: «أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَخَاذِلُوا عَنْ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهِنُوا عَنْ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَطْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَ لَمْ يَقْوِ مِنْ قَوِي عَلِيكُمْ؛ ای مردم اگر دست از یاری حق بر نمی‌داشتید و در خوار ساختن باطل سستی نمی‌کردید، هیچ‌گاه آنان که به پایه شما نیستند در نابودی شما طمع نمی‌کردند و هیچ قدرتمندی بر شما پیروز نمی‌گشت» (همان، خطبه 166).



## 4. نقش مسئولین در حفظ سرمایه اجتماعی



منظور از حفظ سرمایه اجتماعی، صیانت از انسجام اجتماعی، تلاش برای حفظ اعتماد و رضایت مردم و اقداماتی از این دست است که در ذیل به راهکارهای اجرایی در پیاده‌سازی آنها پرداخته می‌شود.

#### 1-4 اولویت قائل شدن برای سرمایه اجتماعی

امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان حاکم جامعه همواره حفظ وحدت و انسجام جامعه را بر هر چیز حتی حقوق مسلم خود مقدم می‌داشت و معتقد بود این عنصر مهم سرمایه اجتماعی همواره باید در اولویت قرار بگیرد. ایشان درباره عملکرد خود بعد از سقیفه و غصب خلافت می‌فرماید: «وَوَطِّفْتُ أُرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بِيَدِ جَدَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءٍ ... فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبِرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا عَمِيقًا؛ اندیشه کردم که با دست بریده و بدون یاور بجنگم، یا آن عرصه‌گاه ظلمت کور را تحمل نمایم، ... دیدم خویشتن‌داری در این امر عاقلانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که گویی در دیده‌ام خاشاک بود و غصه راه گلویم را بسته بود می‌دیدم که میراثم به غارت می‌رود.» (همان، خطبه 3). همگان علت سکوت و صبر آن حضرت (ع) بعد از غصب خلافت، همراهی با خلفای سه‌گانه و حتی همراهی با شورای شش نفره بعد از مرگ خلیفه دوم و تن دادن به تصمیم ناحق شورا را حفظ وحدت و انسجام و ارتباطات اجتماعی می‌دانند (ابن میثم بحرانی، 1374: ج 1/ 508، 521). خود امیرالمؤمنین (ع) در بیان علت این همراهی و چشم‌پوشی از غصب حق خلافت و تن دادن به تصمیم ناحق مردم می‌فرماید: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي، وَاللَّهِ لَأُسَلِّمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً؛ همانا می‌دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو به راه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود» (نهج البلاغه، خطبه 74). اهمیت سلامت امور مسلمین و حفظ همبستگی و انسجام جامعه تا اندازه‌ای است که حضرت (ع) برای حفظ آن سال‌ها



سختی و فشار ستم به خود را به جان خرید. ایشان خطاب به ابوموسی اشعری درباره علاقه خود به حفظ اتحاد و الفت میان مسلمانان می‌فرماید: «لَيْسَ رَجُلٌ فَاغْلَمَ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّهُ مُحَمَّدٍ (ص) وَ الْفِتْهَا مِنِّي؛ توجه داشته باش که در میان مردم کسی علاقه‌مندتر از من به اتحاد و الفت میان ملت محمد (ص) یافت نمی‌شود» (همان، نامه 78).

#### 2-4 پرهیز از خشونت و ظلم و داشتن برخورد حسنه با سرمایه‌های انسانی

از آنجا که سرمایه‌های انسانی از ارکان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه خشونت و سوء برخورد و عدم مدارا با آنها باعث از بین رفتن سرمایه اجتماعی می‌شود. در این خصوص حضرت (ع) در توصیف وقایع دوران حکومت خلیفه دوم به رفتار سخت و خشن او اشاره کرده و می‌فرماید: «فَصَيَّرَهَا فِي حَوْزَةٍ خَسَنَاءٍ يَغْلُظُ كَلْمَهَا وَ يَخْشَنُ مَسْئَهَا وَ يَكْثُرُ الْعِتَارُ فِيهَا وَ الْإِعْتِدَارُ مِنْهَا فَصَاحِبُهَا كَرَآكِبِ الصَّعْبَةِ إِنْ أَشْنَقَ لَهَا خَرَمَ وَ إِنْ أَسْلَسَ لَهَا تَقَحَّمَ فَمُنَى النَّاسُ لَعْمُرُ اللَّهِ بِخَبْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلَوْنٍ وَ اغْتِرَاضٍ؛ سرانجام آن را در اختیار کسی قرار داد که جوئی از خشونت و سختگیری بود ... به خدا سوگند به خاطر این شرایط، مردم گرفتار عدم تعادل و سرکشی و عدم ثبات و حرکات نامنظم شدند» (همان، نامه 3). در واقع این عدم تعادل و ثبات و سرکشی مردم که در این فراز به آن اشاره شده، نتیجه همان رفتار سخت و خشن خلیفه دوم است (مغنیه، 1358: 90/1) و از آنجا که عدم ثبات و سرکشی مردم یکی از مصادیق ضعف سرمایه اجتماعی می‌باشد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که پرهیز از خشونت از طرف مسئولین منجر به حفظ سرمایه اجتماعی خواهد شد.

همچنین ایشان در پیشگویی خود از حکومت بنی‌امیه ضمن اشاره به ظلم فراگیر آنها درباره آثار این ظلم و ستم می‌فرماید: «حَتَّى تَكُونَ نُصْرَةٌ أَحَدِكُمْ مِنْ أَحَدِهِمْ كُنُصْرَةَ الْعَبْدِ مِنْ سَيِّدِهِ إِذَا شَهِدَ أَطَاعَهُ وَ إِذَا غَابَ اغْتَابَهُ؛ کار به جایی رسد که دادخواهی یکی از شما از یکی از آنها همچون دادخواهی برده از ارباب شود، که در حضور ارباب اطاعتش نماید و در غیاب او بدگویی کند» (نهج البلاغه، خطبه 98). از بین رفتن اعتماد و یکدلی بین مردم و



مسئولین که در این عبارت به‌عنوان نتایج ظلم فراگیر بنی‌امیه به آن اشاره شد نیز از مصادیق ضعف سرمایه اجتماعی است.

همچنین امیرالمؤمنین (ع) زمامداران و کارگزاران خود را از اعمال خشونت و تندی در برخورد با مردم به خصوص در زمان فتنه و آشوب برحذر داشته و می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْبَصْرَةَ مَهْبِطُ إِبْلِيسَ وَمَغْرَسُ الْفِتَنِ فَحَادِثُ أَهْلِهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَأَحْلَلُ عُقْدَةَ الْخَوْفِ عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ بدان که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتزار فتنه‌هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای» (همان، نامه 18). ایشان رفتارهای خشونت‌آمیز مسئولین را باعث ایجاد ترس و وحشت و نارضایتی در بین سرمایه‌های انسانی و در نتیجه ضعف سرمایه اجتماعی می‌داند و در مقابل، رعایت حقوق متقابل مردم و مسئولین را باعث ایجاد انسجام اجتماعی دانسته و می‌فرماید: «وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِيِ عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِيِ فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ، فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ وَعِزًّا لِدِينِهِمْ.... وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِيِ بِرِعِيَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ؛ و در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان، بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. .... اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود» (همان، خطبه 216). از بین رفتن وحدت یعنی ضعف سرمایه اجتماعی که حضرت (ع) آن را معلول عدم رعایت حقوق متقابل بین مردم و مسئولین می‌داند.



### 3-4 تلاش برای ایجاد آرامش در جامعه و جلوگیری از نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم

امیرالمؤمنین (ع) همواره مردم را از اختلاف و پراکندگی برحذر داشته و آنها را به اتحاد و انسجام و آرامش دعوت می‌کرد. این امر در شرایط خاص اجتماعی همچون ظهور فتنه، بروز بیشتری داشت. ایشان در مقام حاکم جامعه حتی از بیان مطالبی که باعث ایجاد اضطراب و ناآرامی در سطح جامعه می‌شد پرهیز می‌کرد و می‌فرمود: «بَلِ اَنْدَمَجْتُ عَلٰی مَكْنُونِ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لَاضْطَرَبْتُمْ اَضْطِرَابَ الْاَرْضِ شِبَهَ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ؛ من چیزی می‌دانم که بر شما پوشیده است که اگر بگویم و بشنوید مثل ریسمانی که در چاهی عمیق به لرزش و اضطراب درمی‌آید بر خود خواهید لرزید» (همان، خطبه 5). برخی معتقدند منظور حضرت (ع) از این علوم، آگاهی ایشان به فساد امور و درک سریع مصالح بود که باعث خویشتن‌داری حضرت (ع) از قیام برای خلافت بود و اگر برای مردم آشکار می‌شد که امر خلافت به کجا منتهی می‌شود و به چه افرادی خواهد رسید و جامعه به چه حال و روزی در خواهد آمد مضطرب شده و آراء و عقایدشان پراکنده می‌گشت (ابن میثم بحرانی، 1374: 1/555). از اینرو مسئولین برای حفظ آرامش سرمایه‌های انسانی و حفظ وحدت و انسجام آنها باید حتی از ذکر مطالب و حقایقی که این آرامش و انسجام را بر هم زند پرهیز نمایند.

امیرالمؤمنین (ع) کارگزاران خود را از رفتارهایی که باعث ایجاد نارضایتی مردم و سنگین شدن بار تحمل حکومت می‌شد، برحذر می‌داشت و می‌فرمود: «إِنَّهُ لَا تَطْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صُدُورِهِمْ وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَنِهِمْ عَلَى وُلَاءِ الْأُمُورِ وَقَلَّةِ اسْتِثْقَالِ دَوْلِهِمْ وَ تَرْكِ اسْتِثْبَاءِ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ؛ محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد» (نهج البلاغه، نامه 53).

خلف وعده از مهم‌ترین رفتارهایی است که می‌تواند باعث ایجاد نارضایتی و خشم و بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولین گردد، لذا آن حضرت (ع) جهت حفظ اعتماد و رضایت



مردم که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است، کارگزاران خویش را از خلف وعده برحذر داشته و می‌فرماید: «و إِيَّاكَ ... أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتَبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ... وَ الْخُلْفَ يُوجِبُ الْمَمْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَ النَّاسِ؛ مبدا هرگز مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی ... خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن است که بگویند و عمل نکنید» (همان، نامه 53).

#### 4-4 تلاش برای جلوگیری از درگیری‌های داخلی و فراهم کردن فضای صلح در جامعه

امیرالمؤمنین (ع) در طول حکومت خود برای حفظ ارتباطات و انسجام اجتماعی اهمیت بسیاری قائل بود، تا آنجا که در آخرین وصیت‌های خود نیز به این امر سفارش کرده و خطاب به فرزندان خود می‌فرماید: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أَلْفِينَكُمْ تَخَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا تَقُولُونَ قَوْلَ قَتِيلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: أَيُّ نَوَادِيگانِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ نَكُنْدُ شَمَا بَعْدَ از شَهَادَتِ مَنْ، دَسْتِ خُودِ رَا از آسْتِينِ بِيرونِ آورده و در خون مسلمانان فرو برید و بگویند امیر مؤمنان کشته شد (و این بهانه‌ای برای خونریزی شود)» (همان، نامه 47).

آن حضرت (ع) تا آخرین لحظات زندگی برای دور نگه داشتن سرمایه‌های انسانی از جنگ و درگیری و تلفات و نتایج شوم آن بسیار تلاش نمود؛ به‌عنوان نمونه، پیش از جنگ صفین در پاسخ به افرادی که ایشان را به خاطر تأخیر در شروع جنگ، به ترس از جنگ متهم کرده بودند، در بیان علت این تأخیر فرمود: «قَوْلَ اللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُوَ إِلَيَّ ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَيَّ ضَلَالَهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِآثَامِهَا؛ به خدا سوگند هر روزی که جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند و در لابلای تاریکی‌ها، نور مرا نگریسته به سوی من بشتابند، که این برای من از کشتار آنان در راه گمراهی بهتر است» (همان، خطبه 55).



امیرالمؤمنین (ع) با انجام مذاکرات متعدد با توطئه‌گرانی همچون طلحه و زبیر (ر.ک: همان، خطبه 31 و 137) و معاویه (ر.ک: همان، نامه 10) و پرهیز از عجله برای جنگ تلاش می‌کرد تا آخرین لحظه در صلح را باز نگه دارد و تا جایی که خطری انسجام اجتماعی را تهدید نکند در برابر مخالفان صبر پیشه می‌کرد. ایشان پیش از جنگ صفین هنگامی که شخصی به نام جریر را برای مذاکره با معاویه راهی شام کرده بود، در پاسخ به افرادی که خواستار مهیا کردن وسایل جنگ بودند فرمود: «إِنَّ اسْتِعْدَادِي لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ وَ جَرِيرٌ عِنْدَهُمْ إِغْلَاقٌ لِلشَّامِ وَ صَرَفٌ لِأَهْلِهِ عَنْ خَيْرٍ إِنْ أَرَادُوهُ؛ مهیا شدن من برای جنگ با شامیان، در حالی است که جریر را به رسالت به طرف آنان فرستاده‌ام، بستن راه صلح و بازداشتن شامیان از راه خیر است، اگر آن را انتخاب کنند» (همان، خطبه 43).

همچنین ایشان برای جلوگیری از ایجاد تنش و درگیری‌های داخلی و حفظ سرمایه اجتماعی به کارگزاران خود سفارش می‌کرد تا کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها را از دل مردم ریشه کن کنند و از ملحق شدن مردم به توطئه‌گران جلوگیری نمایند؛ چنانکه سید رضی در شأن صدور خطبه 181 می‌نویسد: «امام یکی از یاران خود را فرستاد تا گروهی از سپاه کوفه را که تصمیم داشتند به خاطر ترس از او به خوارج ملحق گردند ایمنی بخشد و از وضع آنها خبر آورد» و نیز خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ وَ اقْطَعْ عَنكَ سَبَبَ كُلِّ وَتْرٍ؛ (با برخورد خوب) عقده آنها را که کینه دارند بگشا و اسباب دشمنی و عداوت را قطع کن» (همان، نامه 53). می‌توان گفت از بین رفتن کینه‌ها و اسباب دشمنی در بین سرمایه‌های انسانی، خود نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود که امیرالمؤمنین (ع) آن را معلول رفتار نیک مسئولین و وظیفه آنان می‌دانست.



#### 4-5 شفاف‌سازی و جلب حسن نیت سرمایه‌های انسانی

یکی از عملکردهای امیرالمؤمنین (ع) در راستای حفظ سرمایه اجتماعی، شفاف‌سازی در برابر شایعات ساختگی مخالفان و رفع اتهام از خود و سوءظن از اذهان مردم بود. اتهاماتی که در طول دوران حکومت نسبت به ساحت ایشان وارد می‌کردند شامل اتهام به دروغ‌گویی (ر.ک: همان، خطبه 71)، شوخ طبعی (ر.ک: همان، خطبه 84) و مهم‌تر از همه دست داشتن ایشان در قتل عثمان (ر.ک: همان، خطبه 22، 75، نامه 1) بود که ایشان به‌کرات و با استدلال‌های منطقی در پی شفاف‌سازی و آگاه‌سازی مردم و رفع این اتهامات از خود بود؛ به‌عنوان مثال ایشان در بیان رفع اتهام قتل عثمان می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُثْمَانَ حَتَّى يَكُونَ سَمْعُهُ كَعْيَانِهِ إِنَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ فَكُنْتُ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ اسْتِعْتَابَهُ وَأَقْلَبُ عِتَابَهُ ... فَاسْرِعُوا إِلَيَّ أَمِيرِكُمْ وَبَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ من از جریان عثمان آن‌چنان شما را آگاهی دهم که شنیدن آن همچون دیدن باشد. مردم به او عیب گرفتند و طعنه زدند و من یکی از مهاجران بودم که بیشتر برای رضایتش (در راه خدا) می‌کوشیدم و کمتر سرزنشش می‌نمودم، .... به‌سوی امیر و فرمانده خود بشتابید و به جهاد با دشمنان خویش مبادرت ورزید به خواست خداوند بزرگ» (همان، نامه 1). به این ترتیب می‌بینیم که ایشان برای دعوت مردم به مشارکت در جهاد که می‌تواند از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی باشد ابتدا اقدام به شفاف‌سازی و رفع اتهام و جلب اعتماد آنان می‌نمود و سپس آنها را به مشارکت در جهاد دعوت می‌کرد.

حضرت (ع) به کارگزاران خود توصیه می‌کرد که در صورت بروز هرگونه سوءظن در اذهان مردم، سریعاً اقدام به شفاف‌سازی کرده و در جهت رفع سوءظن اقدام نمایند؛ چنانکه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَإِنْ ظَنَّتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُدْرِكَ وَاعْدِلْ عَنْكَ طُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيهِمْ عَلَى الْحَقِّ؛ هرگاه رعایا نسبت به تو گمان بد ببرند، افشاگری کن و عذر خویش را در مورد آنچه موجب بدبینی شده آشکارا با آنان در میان گذار و با صراحت بدبینی آنها



را از خود برطرف ساز، چه اینکه این‌گونه صراحت، موجب تربیت اخلاقی تو و ارفاق و ملاحظت برای رعیت است و این بیان عذر، تو را به مقصودت در وادار ساختن آنها به حق می‌رساند» (همان، نامه 53).

همچنین کارگزاران خویش را به اقداماتی همچون احسان به مردم، سبک کردن بار هزینه‌ها و عدم اجبار به تکالیفی که بر عهده مردم نیست و ... توصیه می‌کرد: «اعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَ تَخْفِيفِهِ الْمُتُونَاتِ عَلَيْهِمْ وَ تَرْكِ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قَبْلَهُمْ فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرَعِيَّتِكَ؛ بدان که هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی، به وفاداری رعیت، بهتر از احسان به آنها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان و عدم اجبارشان به کاری که وظیفه ندارند نیست، در این راه آن قدر بکوش تا به وفاداری آنان خوش‌بین شوی (و بر آنان اعتماد کنی که)» (همان، نامه 53). نکته قابل توجه در این فقره، نتیجه حاصل از این دست اقدامات است که حضرت (ع) نتیجه آن را اعتماد مسئولین به وفاداری مردم می‌دانست و این خود می‌تواند از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی باشد.

#### 6-4 اصلاح نگرش نسبت به سرمایه‌های انسانی و مقام و مسئولیت

امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌های حکومتی خود به کارگزارانش سعی در بیان نکاتی دارد که منجر به اصلاح نگرش آنها نسبت به سرمایه‌های انسانی و مقام و مسئولیت می‌شود. این اصلاح نگرش در نوع عملکرد مسئولین و در نتیجه قوت و ضعف سرمایه‌های اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

طبق فرمایشات حضرت (ع)، نگاه مسئولین به سرمایه‌های انسانی باید نگاه برادرانه (ر.ک: نامه 2/50) و انسان‌گرایانه همراه با کرامت ذاتی باشد (ر.ک: نامه 8/53) و آنان را وسیله امتحان خود بدانند (ر.ک: نامه 11/53) و باید تنوع و تکثر مردم را پذیرفته و طبقات آنها را از هم جدا ندانسته و اصلاح و رفع نیاز آنان را به هم مربوط بدانند (ر.ک: نامه 41/53) و نیز





باید نگاه درستی نسبت به اهمیت و جایگاه سرمایه‌های انسانی داشته و آنها را ستون دین و جماع المسلمین و ذخیره‌ای برای نیروهای دفاعی بدانند (ر.ک: نامه 23/53).

امیرالمؤمنین (ع) نتیجه این‌گونه نگرش نسبت به سرمایه‌های انسانی را رحمت، محبت، لطف، مدارا و مهربانی با ایشان دانسته و می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (همان، نامه 53). می‌توان گفت این‌گونه عملکرد که نتیجه اصلاح نگرش نسبت به سرمایه‌های انسانی است، سبب حفظ حسن نیت و اعتماد و انسجام و مشارکت اجتماعی و درنهایت حفظ سرمایه اجتماعی خواهد شد.

در نگاه امیرالمؤمنین (ع) اصلاح نگرش نسبت به مقام و مسئولیت نقش مهمی در عملکرد مسئولین و به تبع آن حفظ سرمایه اجتماعی دارد. از دیدگاه حضرت (ع)، مسئولین باید به مسئولیت‌های خود به چشم امانت بنگرند نه وسیله‌ای برای رسیدن به منافع شخصی (ر.ک: نامه 1/5) و آن را نعمتی از جانب پروردگار بدانند (ر.ک: نامه 2/50) و همچنین باید به واسطه مقام و مسئولیتی که دارند خود را برتر از دیگران و در جایگاه امارت ندانسته (ر.ک: نامه 13/53) بلکه خود را خزانه‌دار و نماینده مردم بدانند (ر.ک: نامه 3/51)؛ چنانکه ایشان خطاب به کارگزار خویش می‌فرماید: «فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَاصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ فَإِنَّكُمْ خُزَّانُ الرَّعِيَّةِ وَوَكَلَاءُ الْأُمَّةِ وَسَفَرَاءُ الْأَيْمَةِ؛ در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید» (همان، نامه 51) و در جای دیگر می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ



تَفَتَّتَ فِي رَعِيَّةٍ؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی و تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی» (همان، نامه 5). می‌توان گفت در این عبارات، پرهیز از استبدادورزی و قدرت‌طلبی و ظلم و در مقابل، اقبال به انصاف و صبر، معلول اصلاح نگرش نسبت به قدرت است که نتیجه آن حفظ سرمایه اجتماعی خواهد بود.

### 5. نقش مسئولین در تقویت سرمایه اجتماعی

عملکردهایی که موجب تقویت عناصر و مؤلفه‌های گوناگون سرمایه اجتماعی می‌گردد، عبارتند از:

#### 5-1 دعوت و تشویق سرمایه‌های انسانی

از مطالعه سیره قولی و فعلی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌توان چنین استنباط کرد که دعوت و تشویق سرمایه‌های انسانی به مشارکت، انسجام و اصلاح ارتباطات از طرق مختلف مانند: کمک و عطا (ر.ک: خطبه 5/180)، قدردانی (ر.ک: خطبه 118)، قوت قلب دادن (ر.ک: خطبه 24)، آگاهی‌بخشی و ایجاد بصیرت (ر.ک: خطبه 97) یکی از راههای تقویت سرمایه‌های اجتماعی است؛ به عنوان نمونه، حضرت (ع) پس از جنگ جمل به‌منظور دعوت و تشویق مردم به مشارکت در جنگ صفین، خطاب به یاران صالح خود از مشارکت‌های قبلی آنان قدردانی نموده و فرمودند: «أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَالْجُنُّنُ يَوْمَ الْبَأْسِ وَالْبَطَانَةُ دُونَ النَّاسِ، بِكُمْ أُضْرِبُ الْمُدْبِرَ وَأَرْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ، فَأَعِينُونِي بِمَنَاصِحِهِ خَلِيَّةٍ مِنَ الْعِشْرِ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ؛ شما یاران حق و برادران دینی من هستید، در روز جنگ چون سپر محافظ دورکننده ضربت‌ها و در خلوت‌ها محرم اسرار من هستید، با کمک شما پشت‌کنندگان به حق را می‌کوبم و به راه می‌آورم و به فرمان‌برداری استقبال‌کنندگان امیدوارم، پس مرا با خیرخواهی خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید، یاری کنید» (همان، خطبه 118).

به نظر می‌رسد بیان فضایل و قدردانی از حمایت‌های سرمایه‌های انسانی توسط مسئولین، می‌تواند باعث تشویق آنان برای مشارکت‌های بعدی شود. همچنین قوت قلب



دادن به سرمایه های انسانی می تواند زمینه های مشارکت آنها را تقویت کند. چنانچه امیرالمؤمنین (ع) برای دعوت مردم به جهاد با بیان این موضوع که من ضامن پیروزی شما خواهم بود آنان را به این امر تشویق نموده و می فرماید: «وَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ وَامْضُوا فِي الَّذِي نَهَجَهُ لَكُمْ وَ قَوْمُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلَجِكُمْ أَجْلًا إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا؛ و از خدا، به سوی خدا فرار کنید و از راهی که برای شما گشوده بروید، و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده به پا دارید اگر چنین باشید، علی (ع) ضامن پیروزی شما در آینده است، گرچه هم اکنون به دست نیاورید» (همان، خطبه 24).

## 2-5 تهییج و تحریک غیرتمندی

غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال، به طوری که او را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس و امثال آن تجاوز کرده، از جای خود می کند. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی بهره نیست (موسوی همدانی: 1374: 280 / 4). متصف بودن به این صفت به معنای نگاه مسئولانه و نگهبانی آگاهانه از حریم دین، خانواده، قانون و کشور است. با تأمل در معارف نهج البلاغه می توان دریافت که امیرالمؤمنین (ع) از این صفت بی بهره نبوده و با بیان مطالبی که سبب تحریک روحیه عزت‌مندی و غیرتمندی در افراد می شد درصدد تقویت مشارکت اجتماعی و دیگر عناصر سرمایه اجتماعی برمی آمد؛ چنانکه پس از ورود به صحرای صفین هنگامی که متوجه شد سپاه معاویه آب را به روی ایشان و یارانشان بسته‌اند برای تهییج غیرتمندی خطاب به صف‌شکنان سپاه خود فرمود: «قَدِ اسْتَطَعْمُوكُمُ الْقِتَالَ فَأَقْرُوا عَلَيَّ مَذَلَّةً وَ تَأْخِيرَ مَحَلَّةً أَوْ رَوْوا السُّيُوفَ مِنَ الدِّمَاءِ تَرَوْوا مِنَ الْمَاءِ، فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاءُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ؛ شامیان با بستن آب شما را به پیکار دعوت کردند. اکنون بر سر دوراهی قرار دارید: یا به ذلت و خواری بر جای خود بنشینید و یا شمشیرها را از خون آنها سیراب سازید تا از آب سیراب شوید. پس بدانید که مرگ در



زندگی توأم با شکست و زندگی جاویدان در مرگ پیروزمندانه شماسست» (نهج البلاغه، خطبه 51). همچنین ایشان برای تهییج و ترغیب یاران نافرمان خود به فرمان برداری و مشارکت در جهاد که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، غیرتمندی آنان را هدف قرار داده و فرمود: «مَا تَنْتَظِرُونَ بِبَصْرِكُمْ وَالْجِهَادِ عَلَى حَقِّكُمْ الْمَوْتِ أَوِ الدَّلَّ لَكُمْ؟ ... أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ وَ لَاحِمِيَّةٌ تَشْحَذُكُمْ؟»؛ برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید، چرا برای گرفتن حق خود در جهاد شرکت نمی‌کنید، آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید ... خدا خیرتان دهد، آیا دینی نیست که شما را گرد آورد، آیا غیرتی نیست که شما را برای جنگ با دشمن بسیج کند» (همان، خطبه 180)

#### 4-5 روشنگری

با نظر به معارف نهج البلاغه می‌توان گفت یکی از راههای تقویت سرمایه‌های اجتماعی، روشنگری توسط مسئولین است. اگر مسئولین درباره پشت پرده وقایع اجتماعی به سرمایه‌های انسانی آگاهی دهند و آنها را از علت برخی تصمیمات باخبر سازند، آنها بهتر و با بصیرت بیشتری در امور اجتماعی مشارکت خواهند داشت؛ به‌عنوان نمونه، امیرالمؤمنین (ع) برای جلب مشارکت مردم در جنگ صفین اقدام به روشنگری نمود و دلایل تصمیم خود برای مبارزه با معاویه را صراحتاً برای مردم بازگو کرد و فرمود: «قَدُّ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَ ظَهْرُهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ فَمَا وَجَدْتُنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله). فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوْتَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوْتَاتِ الْآخِرَةِ؛ پس از بیعت عمومی مردم، مسئله جنگ با معاویه را ارزیابی کردم، همه جهات آن را سنجیدم تا آنکه مانع خواب من شد، دیدم چاره‌ای جز یکی از این دو راه ندارم: یا با آنان مبارزه کنم و یا آنچه را که محمد (ص) آورده، انکار نمایم، پس به این نتیجه رسیدم که تن به جنگ دادن آسان‌تر از تن به کیفر پروردگار دادن است و از دست دادن دنیا آسان‌تر از رها کردن آخرت است» (همان، خطبه 54). به این ترتیب، هنگامی که سرمایه‌های انسانی نسبت به دلایل تصمیمات مسئولین آگاهی کافی داشته



باشند و مسئولین با روشنگری، آنان را نسبت به وقایع آگاه سازند، زمینه‌های تقویت مشارکت سرمایه‌های انسانی فراهم خواهد شد. همچنین اگر مسئولین نسبت به دشمن و افشای حقایق درباره آنها به روشنگری بپردازند، سبب تقویت انسجام و مشارکت اجتماعی در بین سرمایه‌های انسانی در سایه این دشمن‌شناسی خواهد شد. امیرالمؤمنین (ع) بارها به افشاگری درباره دشمنان خود پرداخته و سعی کرده از این طریق چهره حقیقی آنان را به مردم بشناسند تا با بصیرت و آگاهانه در مبارزه با دشمن مشارکت نمایند؛ چنانکه خطاب به مردم کوفه برای دعوت به مبارزه با معاویه و اصحاب وی می‌فرماید: «اسْتَعِدُّوا لِلْمَسِيرِ إِلَى قَوْمٍ حَيَارَى عَنِ الْحَقِّ لَا يُبْصِرُونَهُ وَ مُوزَعِينَ بِالْجَوْرِ لَا يَعْدِلُونَ [عَنْهُ] بِهِ جُفَاءً عَنِ الْكِتَابِ نُكِبَ عَنِ الطَّرِيقِ؛ آماده شوید برای حرکت به سوی شامیانی که از حق روی گرداندند و آن را نمی‌بینند و به ستمگری روی آورده حاضر به پذیرفتن عدالت نیستند، از کتاب خدا فاصله گرفته و از راه راست منحرف گشتند» (همان، خطبه 125). پس هنگامی که سرمایه‌های انسانی دشمن خود را به‌خوبی بشناسند و دقیقاً بدانند به چه علت باید با او مبارزه کنند، خیلی بهتر در این مسیر، مشارکت خواهند نمود.

#### 5-5 بیان آثار و پیامدهای قوت و ضعف سرمایه‌های اجتماعی

یکی از روش‌هایی که امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی برای تقویت سرمایه‌های اجتماعی به‌کار می‌برد، بیان و یادآوری آثار و پیامدهای قوت و ضعف سرمایه اجتماعی بود؛ چنانکه با بیان فواید وحدت، سرمایه‌های انسانی را دعوت به انسجام اجتماعی کرده و می‌فرماید: «الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ؛ همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود» (همان، خطبه 127). همچنین ایشان با بیان الگویی از جوامع گذشته به بیان آثار وحدت پرداخته و از این طریق سرمایه‌های



انسانی را به وحدت و همدلی تشویق نموده است: «فَالزُّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ [حَالَهُمْ] وَ زَا حَتَّ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مُدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ انْقَادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفِرْقَةِ وَ الزُّرُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّحَاضُّ عَلَيْهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا؛ عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و همدلی همت گماشتند» (همان، خطبه 192).

به همان اندازه که بیان آثار و فواید مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند باعث تقویت آنها گردد، بیان پیامدهای ضعف این مؤلفه‌ها نیز می‌تواند سرمایه‌های انسانی را تشویق به پایبندی نماید. امیرالمؤمنین (ع) به همین منظور برای تشویق مردم به بیان پیامدهای ضعف سرمایه‌های اجتماعی پرداخته و می‌فرمود: «فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفِرْقَةُ وَ تَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ الْأَفْتِدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَ قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ وَ سَلَبَهُمْ غُضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بَقِيَ قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرَةً [عِبْرَةً] لِلْمُعْتَبِرِينَ [مِنْكُمْ]؛ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون آورد و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت و داستان آنها در میان شما عبرت‌انگیز باقی ماند» (همان، خطبه 192)

## 6. نتیجه‌گیری

- منظور از «سرمایه‌های اجتماعی»، یکی از انواع سرمایه است که از تعامل‌های هر روزه بین افراد پدید می‌آید و دارای عناصر و مؤلفه‌هایی همچون اعتماد، انسجام، روابط و مشارکت میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که با تقویت آنها می‌توان زمینه بهبود



و توسعه را در سایر بخش‌ها ایجاد کرد. و منظور از «مسئولین»، افرادی است که در رده‌های گوناگون مدیریتی مسئولیتی بر عهده دارند.

- از منظر امیرالمؤمنین (ع) سرمایه اجتماعی، بالاترین نعمت خداوند به جوامع و برترین روشنی چشم مسئولین است و بدون وجود سرمایه اجتماعی هیچ مسئولی قادر به پیشبرد اهداف و مقاصد خود نخواهد بود. ایشان معتقد است ضعف سرمایه اجتماعی، یکی از علل شکست آن محسوب می‌شود و تقویت آن، باعث عزت‌مندی جامعه می‌گردد.

- بر اساس تحلیل گزاره‌های نهج البلاغه، مسئولین می‌توانند با عملکردهایی مانند:

اهمیت و اولویت قائل شدن برای سرمایه اجتماعی، پرهیز از خشونت و ظلم و حسن برخورد و مدارا با سرمایه‌های انسانی، تلاش برای ایجاد آرامش در جامعه و جلوگیری از ایجاد نارضایتی و بی‌اعتمادی در مردم، تلاش برای جلوگیری از درگیری‌های داخلی و فراهم کردن فضای صلح در جامعه، شفاف‌سازی و جلب اعتماد و حسن ظن سرمایه‌های انسانی، اصلاح نگرش نسبت به سرمایه‌های انسانی و مقام و مسئولیت، از سرمایه‌های اجتماعی جامعه خود صیانت کنند.

- مسئولین می‌توانند با عملکردهایی همچون دعوت و تشویق سرمایه‌های انسانی، تهییج و تحریک غیرتمندی، بیان آثار و پیامدهای قوت و ضعف سرمایه اجتماعی و روشننگری آن، در جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی جامعه خود اقدام کنند.



## فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات مشهور، 1379.
3. ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1374.
4. الوانی، سید محمد؛ شیروانی، علیرضا، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)، تهران: مانی، 1385.
5. توسلی، غلام عباس؛ موسوی، مرضیه؛ «سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش 26، زمستان 1382.
6. رحمانی، محمود؛ اسماعیل کاووسی، اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، 1389.
7. شریفیان ثانی، مریم، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره 1، ش 2، زمستان 1380.
8. صالحی امیری، سیدرضا؛ کاوسی، اسماعیل، سرمایه اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، 1387.
9. علینی، محمد، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب، 1391.
10. مغنیه، محمدجواد، فی ظلال نهج البلاغه، بیروت: دارالعلم للملایین، 1358.
11. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.

